

تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی قتل فرزندی که در برابر خشونت پدر از مادرش دفاع می‌کرد

# دیوار دفاعی که قربانی شد

پیمان حاج‌محمود عطار: دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، وکیل پایه یک دادگستری

گاهی یک قتل، تنها پایان زندگی یک انسان نیست؛ بلکه شکست چندین لایه از نظام حمایت اجتماعی و حقوقی را آشکار می‌کند. قتل یاسین، جوان ۲۱ ساله‌ای در خرم‌آباد، از همین جنس است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، او در با مداد ۱۸ تیرماه، هنگا می که در خواب بود، به دست پدرش و با ضربات کلنگ به قتل رسید. گزارش‌های منتشرشده همچنین از سابقه تهدید، خشونت خانوادگی و درگیری‌های مستمر در این خانواده حکایت دارد. اما شاید تکان‌دهنده‌ترین بخش این روایت، نه ابزار قتل، بلکه انگیزه و زمینه‌ای باشد که در پس آن قرار داشته است:

گفته شده یاسین در برابر خشونت پدر نسبت به مادر و دیگر اعضای خانواده می‌ایستاد و پدر، او را مانعی در برابر اعمال خشونت خود می‌دانست. به تعبیر گزارش‌شده از خانواده، پدر او را «دیوار دفاعی» مادر می‌دانست.

این پرونده بنابراین پرسشی اساسی را پیش روی حقوق کیفری قرار می‌دهد: وقتی خانه، که باید امن‌ترین مکان برای انسان باشد، به محیط تهدید و خشونت تبدیل می‌شود، قانون تا چه اندازه ابزار مؤثر برای مداخله پیشگیرانه در اختیار دارد؟

متن کامل گزارش در صفحه ۳

## دکتر خدائیان؛

### از متن قضاوت و قانون‌گذاری تا رأس ثبوت و نظارت و قلب مدیریت قوه قضاییه

تاروردی چگینی

تحلیل‌گر ارشد مسائل سیاسی و اقتصادی بین‌الملل

دکتر خدائیان: از متن قضاوت و قانون‌گذاری تا رأس ثبوت و نظارت و قلب مدیریت قوه قضاییه تحلیلی بر انتصاب دکتر ذبیح‌الله خدائیان و ظرفیت یک تحول مدیریتی در قوه قضاییه تاروردی چگینی تحلیل‌گر ارشد مسائل سیاسی و اقتصادی بین‌الملل انتصاب دکتر ذبیح‌الله خدائیان چگینی به ریاست حوزه ریاست قوه قضاییه را نمی‌توان صرفاً یک جابه‌جایی اداری یا تغییر عنوان سازمانی دانست. اهمیت این انتصاب را باید در مجموعه‌ای کم‌نظیر از تجربه قضایی، حقوقی، مدیریتی، ثبوتی و نظارتی جست‌وجو کرد؛ تجربه‌ای که اکنون در یکی از نزدیک‌ترین سطوح مدیریتی به مرکز تصمیم‌گیری قوه قضاییه قرار گرفته است. مسیر حرفه‌ای دکتر خدائیان، مسیر حرکت مستقیم از یک جایگاه به جایگاه بالاتر نبوده؛ بلکه مسیری تدریجی، میدانی و مرحله‌به‌مرحله در ساختار قضایی جمهوری اسلامی ایران بوده است. ایشان پس از پایان دوره کارآموزی قضایی، بارتبه ممتاز، فعالیت قضایی خود را آغاز کردند و در ادامه، مسئولیت‌هایی همچون دادیاری، معاونت دادستان، ریاست شعبه دادگاه، ریاست دادگاه تجدیدنظر، دادستانی عمومی و انقلاب مرکز استان، معاونت قضایی و قائم‌مقامی ریاست کل دادگستری را تجربه کردند. پس از طی این مراحل، ریاست کل دادگستری استان‌های لرستان و فارس به ایشان سپرده شد. این مرحله از کارنامه مدیریتی، از آن جهت اهمیت دارد که مدیریت دادگستری یک استان بزرگ، صرفاً مدیریت اداری نیست؛ بلکه مستلزم مدیریت نیروی انسانی گسترده، نظارت بر واحدهای قضایی، شناخت مسائل اجتماعی و اقتصادی، مدیریت پرونده‌های مهم و ایجاد هماهنگی میان بخش‌های مختلف دستگاه قضایی است. از این منظر، دکتر خدائیان مدیری است که ساختار قضایی را نه صرفاً از پشت میزهای مدیریتی، بلکه از سطح شعبه و دادسرا تا مدیریت عالی استانی تجربه کرده است. چنین تجربه‌ای می‌تواند در مسئولیت‌های کلان، قدرت تشخیص مسائل واقعی و تمایز میان مشکلات ظاهری و ریشه‌های ساختاری را افزایش دهد. معاونت حقوقی؛ تجربه‌ای در سیاست‌گذاری و تدوین مقررات قضایی یکی از مهم‌ترین بخش‌های کارنامه دکتر خدائیان، حدود پنج سال مسئولیت در معاونت حقوقی قوه قضاییه است؛ دوره‌ای که ایشان از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ عهده‌دار این مسئولیت بودند. معاونت حقوقی، در واقع یکی از نقاط اتصال تجربه قضایی با سیاست‌گذاری حقوقی، تدوین لوایح، آیین‌نامه‌ها و اصلاح مقررات قضایی است. در این دوره، اقدامات متعددی در زمینه تدوین و پیگیری لوایح قضایی، آیین‌نامه‌ها، تنفیج قوانین، سامان‌دهی اسناد قضایی و توسعه برخی فرآیندهای تخصصی حقوقی دنبال شد. از محورهای قابل توجه آن دوره، موضوع حقوق اطفال و نوجوانان بود؛ از جمله پیگیری و تبیین لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان، موضوع پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و تقویت فرآیندهای تخصصی در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به کودکان و نوجوانان. اهمیت این رویکرد در آن است که حمایت از کودک صرفاً به کودک بزه‌کار محدود نمی‌شود؛ بلکه کودک بزه‌دیده و کودک در معرض آسیب و خطر نیز باید در نظام قضایی مورد توجه قرار گیرد. چنین تجربه‌ای نشان می‌دهد که حوزه فعالیت دکتر خدائیان تنها محدود به مدیریت قضایی نبوده، بلکه در سیاست‌گذاری حقوقی، اصلاح مقررات و طراحی فرآیندهای قضایی نیز سابقه قابل توجهی دارد. از رأس سازمان ثبوت تا رأس سازمان بازرسی مرحله مهم بعدی در کارنامه دکتر خدائیان چگینی، ریاست سازمان ثبوت اسناد و املاک کشور بود. این مسئولیت، ایشان را با یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های حقوقی و اقتصادی کشور مواجه کرد؛ حوزه‌ای که موضوعاتی همچون اسناد رسمی، مالکیت، املاک، ثبت شرکت‌ها و حقوق اقتصادی مردم را دربرمی‌گیرد. اهمیت سازمان ثبوت برای دستگاه قضایی نیز بسیار فراتر از یک سازمان اداری است؛ زیرا نظام ثبوت صحیح اسناد و مالکیت می‌تواند در کاهش اختلافات، پیشگیری از دعاوی و افزایش امنیت حقوقی و اقتصادی جامعه نقش مهمی داشته باشد.

ادامه در صفحه ۴

# حمایت کیفری از محیط زیست شهری تهران؛ از جرم انگاری تا ضرورت پاسخگویی مؤثر

## عباس دشتی – رئیس اداره پاسخگویی به دعاوی ماده ۳۸ – مرکز حقوقی شهرداری تهران

### چکیده:

محیط زیست شهری تهران در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از تهدیدهای مستمر از جمله آلودگی هوا، آلودگی صوتی، تخریب فضای سبز و باغات، مدیریت نامناسب پسماند، آلودگی منابع آب و خاک و توسعه نامتوازن شهری مواجه بوده است. در چنین شرایطی، حقوق کیفری می‌تواند به عنوان آخرین ابزار سیاست جنایی، در کنار اقدامات پیشگیرانه و مدیریتی، نقش مهمی در صیانت از محیط زیست شهری ایفا کند. نظام حقوقی ایران مقررات متعددی برای حمایت کیفری از محیط زیست پیش‌بینی کرده است؛ از اصل ۵۰ قانون اساسی گرفته تا ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، قانون هوای پاک، قانون مدیریت پسماندها و مقررات مربوط به حفظ و گسترش فضای سبز شهری. با این حال، پراکندگی مقررات، تعدد نهادهای مسئول، دشواری اثبات رابطه میان رفتار آلاینده و خسارت زیست‌محیطی و در برخی موارد پایین بودن اثر بازدارندگی ضمانت اجراها، از مهم‌ترین چالش‌های حمایت کیفری از محیط زیست تهران به شمار می‌رود. این مقاله با رویکردی تحلیلی، ظرفیت‌ها و کاستی‌های نظام کیفری موجود را بررسی و بر ضرورت حرکت از «واکنش پس از تخریب» به سوی «پیشگیری کیفری و پاسخگویی مؤثر» تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: محیط زیست شهری، تهران، حقوق کیفری، آلودگی هوا، پسماند، فضای سبز، قانون هوای پاک، مسئولیت کیفری.

### مقدمه

تهران صرفاً یک مجموعه ساختمانی و اداری نیست؛ محیط زیست شهری آن بخشی از سرمایه عمومی و بستر مستقیم زندگی میلیون‌ها شهروند است. هوای سالم، فضای سبز، آب و خاک پاک، سکوت و آرامش نسبی و برخورداری از محیط شهری ایمن، در واقع عناصر تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی شهروندان محسوب می‌شوند.

اهمیت این موضوع در نظام حقوقی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است. اصل ۵۰ قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست را «وظیفه عمومی» دانسته و فعالیت‌های اقتصادی و غیر اقتصادی ملزم با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن را ممنوع اعلام کرده است. بنابراین، حمایت از محیط زیست صرفاً یک سیاست اجرایی یا اداری نیست، بلکه دارای جایگاه حقوقی در بالاترین سطح نظام حقوقی کشور است.

در تهران، اهمیت این حمایت مضاعف است؛ زیرا تراکم جمعیت، حجم بالای تردد وسایل نقلیه، تمرکز صنایع و فعالیت‌های خدماتی، کاهش برخی پهنه‌های سبز و تولید گسترده پسماند، آثار تخریب محیط زیست را مستقیماً متوجه سلامت و رفاه عمومی می‌کند. از این منظر، پرسش اساسی آن است که حقوق کیفری ایران تا چه اندازه توانسته است از محیط زیست شهری تهران حمایت مؤثر و بازدارنده به عمل آورد؟

### ۱. جایگاه محیط زیست شهری در حقوق کیفری ایران

حمایت کیفری از محیط زیست در ایران دارای یک قانون جامع و واحد نیست؛ بلکه در مجموعه‌ای از قوانین پراکنده شده است. بررسی این مقررات نشان می‌دهد که قانونگذار، بسته به نوع تهدید زیست‌محیطی، رفتارهای متفاوتی را جرم‌انگاری یا مشمول ضمانت اجرا قرار داده است.

یکی از مهم‌ترین مقررات، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است که اقداماتی را که تهدید علیه بهداشت عمومی محسوب می‌شوند، از جمله دفع غیربهداشتی مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها و ریختن زباله در خیابان‌ها، ممنوع کرده و در صورت نبود مجازات شدیدتر در قوانین خاص، برای مرتکب حبس پیش‌بینی کرده است. تبصره این ماده نیز مفهوم آلودگی محیط زیست را به تغییر زیان‌بار کیفیت آب، هوا، خاک یا زمین در اثر انتشار یا آمیختن مواد خارجی مرتبط کرده است.

اهمیت ماده ۶۸۸ در محیط شهری تهران از آن جهت است که

بسیاری از رفتارهای آلاینده ممکن است در نگاه نخست صرفاً تخلف اداری یا شهری تلقی شوند، اما در صورت تحقق شرایط قانونی می‌توانند واجد وصف کیفری نیز باشند.

### ۲. آلودگی هوا؛ مهم‌ترین عرصه حمایت کیفری در تهران

اگر محیط زیست شهری تهران را به مثابه یک منظومه در نظر بگیریم، آلودگی هوا یکی از مهم‌ترین تهدیدهای آن است. قانونگذار با تصویب قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ تلاش کرده است مجموعه‌ای از وظایف و ضمانت اجراها را برای کنترل منابع آلاینده ایجاد کند. این قانون برای دستگاه‌های مختلف، از جمله دستگاه‌های اجرایی و نهادهای مرتبط با مدیریت شهری، تکالیف متعددی در زمینه حمل‌ونقل، توسعه فضای سبز، کنترل منابع آلاینده و مدیریت شرایط اضطراری تعیین کرده است. نکته قابل توجه آن است که قانون هوای پاک صرفاً متوجه صنایع نیست. منابع آلاینده می‌توانند ثابت یا متحرک باشند و مدیریت آلودگی هوای یک کلان‌شهر مستلزم همکاری چندین نهاد است. در نتیجه، مسئله تهران تنها «جرم آلوده کردن هوا» نیست؛ بلکه موضوع مهم‌تر، اجرای مؤثر تکالیف قانونی دستگاه‌های متعدد است.

در همین زمینه، قانون هوای پاک برای برخی رفتارها ضمانت اجرای کیفری و مالی در نظر گرفته است. برای نمونه، ایجاد آلودگی صوتی توسط منابع ثابت و متحرک ممنوع اعلام شده و برای منابع ثابت، جزای نقدی درجه هفت پیش‌بینی شده است. بنابراین، سیاست کیفری در حوزه محیط زیست تهران باید از تمرکز صرف بر مجازات شهروند یا واحد آلاینده عبور کند و مسئله اجرای تکالیف قانونی دستگاه‌های مسئول را نیز مورد توجه قرار دهد.

### ۳. پسماند؛ جرم شهری با آثار زیست‌محیطی گسترده

یکی دیگر از مسائل جدی تهران، تولید و مدیریت پسماند است. قانون مدیریت پسماندها، نگهداری، جمع‌آوری، حمل‌ونقل، خرید و فروش، دفع و تخلیه پسماند را تابع مقررات قانونی و آیین‌نامه اجرایی کرده و برای تخلف از این مقررات ضمانت اجرای جزای نقدی در نظر گرفته است. همچنین در شرایطی که آلودگی خطر فوری برای محیط و انسان ایجاد کند، قانون امکان الزام متخلف به توقف فعالیت آلاینده و پاکسازی محیط را پیش‌بینی کرده است.

این رویکرد اهمیت ویژه‌ای برای تهران دارد؛ زیرا پسماند شهری تنها مسئله‌ای مربوط به پاکیزگی معابر نیست. نحوه جمع‌آوری، انتقال، تفکیک، دفع و بازیافت پسماند می‌تواند بر آب، خاک، هوا و سلامت عمومی اثر بگذارد.

از منظر کیفری، یکی از نقاط قوت قانون مدیریت پسماند آن است که مسئولیت را صرفاً به لحظه ایجاد آلودگی محدود نمی‌کند، بلکه مراحل مختلف چرخه پسماند را مورد توجه قرار می‌دهد. با این حال، بازدارندگی واقعی این مقررات در گرو اجرای مستمر، نظارت مؤثر و تناسب مجازات با منافع اقتصادی حاصل از تخلف است.

### ۴. حمایت کیفری از درختان و فضای سبز تهران

درختان و باغات شهری یکی از مهم‌ترین عناصر محیط زیست تهران هستند. کاهش فضای سبز نه‌تنها منظر شهری را تغییر می‌دهد، بلکه بر کیفیت هوا، دمای شهر، جذب آلاینده‌ها و کیفیت زندگی شهروندان نیز اثرگذار است.

لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، قطع یا نابود کردن درختان در معابر، میادین، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها و باغات واقع در محدوده و حریم شهرها را بدون مجوز و رعایت ضوابط مربوط ممنوع کرده است. این قانون برای قطع غیرقانونی درختان نیز ضمانت اجرا پیش‌بینی کرده و در موارد مقرر، علاوه بر جبران خسارت، مجازات کیفری اعمال می‌شود.

همچنین ماده ۶۸۶ قانون مجازات اسلامی، قطع عمدی و برخلاف قانون درختان مشمول مقررات فضای سبز یا فراهم کردن موجبات از بین رفتن آنها را جرم‌انگاری کرده است.

اهمیت این مقررات برای تهران در آن است که «درخت» را نباید صرفاً یک مال متعلق به شخص یا شهرداری تلقی کرد؛ بلکه

درخت شهری واجد کارکرد عمومی و زیست‌محیطی است. از این رو، تخریب غیرقانونی آن می‌تواند فراتر از ورود خسارت به یک مالک یا یک فضای شهری، به منافع عمومی آسیب وارد کند.

### ۵. چالش اصلی: پراکندگی مقررات و تعدد نهادهای مسئول

یکی از مهم‌ترین ایرادات ساختار موجود، پراکندگی مقررات کیفری محیط زیست است. رفتار واحدی ممکن است هم‌زمان از منظر قانون هوای پاک، قانون مدیریت پسماند، قانون مجازات اسلامی، مقررات فضای سبز و مقررات شهرداری قابل بررسی باشد.

این وضعیت از یک سو امکان حمایت‌های حقوقی متعدد را فراهم می‌کند، اما از سوی دیگر می‌تواند موجب ابهام در تعیین مسئولیت و دشواری در تشخیص مرجع اقدام‌کننده شود. پژوهش‌های حقوقی نیز پراکندگی مقررات و تعارض یا هم‌پوشانی برخی ضمانت اجراهای کیفری را از چالش‌های مهم سیاست کیفری محیط زیست شهری دانسته‌اند.

در تهران، این مشکل به دلیل تعدد بازیگران بیشتر می‌شود: شهرداری، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارتخانه‌های مختلف، پلیس، مراجع قضایی و سایر دستگاه‌های مسئول هر یک بخشی از زنجیره حفاظت محیط زیست را بر عهده دارند.

از همین رو، حمایت کیفری مؤثر مستلزم آن است که زنجیره شناسایی تخلف، جمع‌آوری ادله، اعلام جرم، تعقیب، رسیدگی و اجرای حکم بدون خلأ و موازی‌کاری انجام شود.

### ۶. مسئولیت ناشی از ترک فعل؛ حلقه مفقوده سیاست کیفری

در مسائل محیط زیستی، همیشه با یک رفتار مثبت و آشکار مواجه نیستیم. گاهی آلودگی نتیجه انجام ندادن یک تکلیف قانونی است؛ برای مثال، تأخیر در نوسازی ناوگان، عدم کنترل یک منبع آلاینده یا اجرا نکردن تکالیف مقرر در قوانین زیست‌محیطی.

از این منظر، بحث «ترک فعل» اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. البته صرف عدم تحقق یک هدف زیست‌محیطی، به خودی خود به معنای تحقق جرم نیست و مسئولیت کیفری اشخاص و مدیران نیازمند وجود مبنای قانونی، تکلیف مشخص، قابلیت انتساب و سایر شرایط لازم برای تحقق جرم است. اما هر جا قانون برای مقام یا دستگاه مشخصی تکلیف روشن و ضمانت اجرای معین تعیین کرده باشد، بی‌توجهی به آن نمی‌تواند صرفاً یک مسئله سیاسی یا مدیریتی تلقی شود.

در سال‌های گذشته نیز موضوع ترک فعل دستگاه‌ها در ارتباط با آلودگی هوای تهران از سوی نهادهای قضایی مطرح شده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد سیاست کیفری محیط زیست باید علاوه بر «آلوده‌کننده مستقیم»، به مسئولیت ناشی از انجام ندادن تکالیف قانونی نیز توجه داشته باشد.

### ۷. ضرورت تقویت رویکرد پیشگیرانه

حقوق کیفری اصولاً آخرین ابزار مداخله دولت است. اگر درختی قطع شد، باغی از بین رفت یا آلودگی وارد آب و خاک شد، مجازات مرتکب همیشه نمی‌تواند وضعیت پیشین را بازگرداند. از این رو، در حوزه محیط زیست، پیشگیری اهمیت بیشتری از مجازات پس از وقوع خسارت دارد.

در تهران، سیاست جنایی کارآمد باید بر سه مرحله استوار باشد: نخست، پیشگیری: شناسایی منابع خطر، کنترل پیشینی فعالیت‌های آلاینده و الزام دستگاه‌های مسئول به رعایت استانداردهای زیست‌محیطی.

دوم، کشف و تعقیب سریع: ایجاد سازوکارهای دقیق برای ثبت تخلفات، نمونه‌برداری، مستندسازی و ارسال فوری پرونده به مراجع صالح.

سوم، جبران و بازسازی: مجازات نباید جایگزین جبران خسارت زیست‌محیطی شود. در موارد ممکن باید مرتکب به رفع آلودگی، پاکسازی و جبران خسارت نیز ملزم شود. قانون مدیریت پسماند نیز در شرایط خطر فوری، چنین رویکردی را مورد توجه قرار داده است.



پیمان حاج محمود عطار  
دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی،  
وکیل پایه یک دادگستری

## «دیوار دفاعی» که قربانی شد؛

### تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی قتل فرزندی که در برابر خشونت پدر از مادرش دفاع می‌کرد

تهدید و تحقیر، پیش از آنکه به یک بحران کیفری تبدیل شود، از سوی اطرافیان تحمل شود. اما خانواده، قلمرو خارج از قانون نیست. رابطه پدر و فرزندی، رابطه زوجیت یا نسبت خانوادگی نمی‌تواند مجوز اعمال خشونت باشد. حقوق کیفری مدرن باید انسان را پیش از آنکه «فرزند»، «همسر» یا «پدر» باشد، به عنوان شهروند دارای حق حیات، امنیت و تمامیت جسمانی شناسایی کند.

۶. از مجازات پس از جنایت تا سیاست جنایی پیشگیرانه این پرونده می‌تواند فرصتی برای بازنگری در سیاست جنایی ایران در قبال خشونت خانوادگی باشد. لازم است نظام کیفری از الگوی صرفاً واکنشی فاصله بگیرد و ابزارهای پیشگیرانه مؤثرتری ایجاد کند؛ از جمله:

- جرم‌انگاری و برخورد مؤثر با تهدیدهای جدی پیش از وقوع جنایت؛

- ایجاد سازوکار فوری برای دور کردن فرد خشونت‌گر از قربانی؛

- حمایت از اعضای خانواده‌ای که در معرض خشونت مستمر قرار دارند؛

- ایجاد نظام ارزیابی خطر در پرونده‌های خشونت خانوادگی؛

- توجه جدی‌تر ضابطان، دادسرا و دادگاه به سابقه خشونت؛

- ایجاد امکان مداخله فوری قضایی در وضعیت‌های پرخطر؛

- و مهم‌تر از همه، تبدیل خشونت خانگی از «مسئله خصوصی خانواده» به مسئله امنیت انسانی و حقوق شهروندی.

نتیجه‌گیری قتل یاسین، اگر روایت‌های منتشرشده درباره سابقه خشونت و تهدیدهای پیشین در این خانواده در تحقیقات قضایی تأیید شود، نباید تنها با این پرسش بررسی شود که قاتل چه مجازاتی خواهد داشت. پرسش مهم‌تر این است: چرا جوانی که خود را مسئول دفاع از مادرش در برابر خشونت پدر می‌دانست، پیش از آنکه قربانی قتل شود، از حمایت مؤثر برخوردار نشد؟ اگر فرزندی مجبور شود برای محافظت از مادر خود در برابر پدر بایستد، خانواده از کارکرد طبیعی خود فاصله گرفته است. و اگر پس از تهدیدهای مکرر، خشونت‌های مستمر و ترس اعضای خانواده، نهایتاً جوانی در خواب با کلنگ کشته شود، مسئله فقط یک قاتل نیست؛ مسئله، شکست پیشگیری اجتماعی و کیفری از جنایت نیز هست. حقوق کیفری نباید منتظر بماند تا «دیوار دفاعی» خانواده فروپریزد و سپس درباره مجازات قاتل سخن بگوید. سیاست جنایی کارآمد آن است که پیش از وقوع جنایت، دیوار حمایت قانونی را در کنار قربانی بنا کند. قتل یاسین می‌تواند بار دیگر این پرسش را پیش روی قانون‌گذار قرار دهد: آیا در نظام کیفری ایران، رابطه پدر و فرزندی باید همچنان در مواردی چنان اثری داشته باشد که حمایت از حق حیات فرزند را در برابر اقتدار پدر با تردید مواجه کند؟ پاسخ به این پرسش، فقط پاسخ به یک پرونده نیست؛ بلکه بخشی از بازاندیشی در مفهوم برابری انسان‌ها در برابر قانون و حق برخورداری برابر از حمایت کیفری است.

باشد، به عامل تهدید تبدیل می‌شود؛ مادر، به جای برخورداری از حمایت، در معرض خشونت قرار می‌گیرد؛ و فرزند، به جای برخورداری از امنیت، مسئولیت دفاع از مادر را بر عهده می‌گیرد. در چنین شرایطی، قتل یاسین را نمی‌توان صرفاً یک نزاع میان پدر و پسر دانست. این قتل، در صورت اثبات این روایت‌ها، محصول یک نظام خشونت خانوادگی مستمر است.

۳. ماده ۳۰۱: مسئله‌ای فراتر از یک استثنای فردی یکی از مباحث مهم حقوق کیفری ایران در این پرونده، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی است. این ماده در شرایط مقرر، رابطه پدری یا اجدادی را در برابر قصاص فرزند مورد توجه قرار داده است؛ به همین دلیل، پدری که فرزند خود را عمدتاً به قتل می‌رساند، در وضعیت مقرر در قانون، با همان نتیجه کیفری قصاص مواجه نمی‌شود. در کنار آن، ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات - امکان اعمال مجازات تعزیری را در قتل عمدی که به هر علت قصاص نشود، پیش‌بینی کرده است. مسئله اساسی اینجاست که تفکیک میان حق قصاص و مسئولیت کیفری مرتکب نباید به ایجاد احساس مصونیت منجر شود. اگر مرتکب پیش از ارتکاب جنایت تصور کند که به دلیل رابطه ابوت با مجازات قصاص مواجه نخواهد شد، این تصور می‌تواند از منظر جرم‌شناسی بر بازدارندگی قانون اثر منفی بگذارد. البته نمی‌توان صرفاً با مشاهده یک پرونده ادعا کرد که چنین قاعده‌ای علت مستقیم قتل بوده است؛ اما وقتی در یک پرونده، گزارش‌هایی از تهدید قبلی قاتل و حتی اظهار اطمینان او از بی‌اثر بودن قانون منتشر می‌شود، موضوع شایسته بررسی جدی سیاست جنایی است.

۴. وقتی قانون پس از قتل وارد می‌شود یکی از مهم‌ترین نقدهای سیاست جنایی در حوزه خشونت خانوادگی، پسینی بودن مداخله کیفری است. نظام عدالت کیفری معمولاً پس از وقوع جرم وارد می‌شود؛ در حالی که جرم‌شناسی پیشگیری بر شناسایی علائم خطر پیش از وقوع جرم تأکید دارد. در پرونده‌ای مانند این، تهدید به قتل، سابقه ضرب و جرح، خشونت مستمر، دسترسی مرتکب به ابزار خطرناک و ترس اعضای خانواده از او، اگر احراز شوند، مجموعه‌ای از علائم هشداردهنده هستند. هرکدام از این نشانه‌ها به تنهایی شاید به قتل منتهی نشوند؛ اما اجتماع آنها باید برای نظام حمایت اجتماعی و قضایی یک وضعیت پرخطر ایجاد کند.

از این منظر، حمایت کیفری نباید صرفاً به مجازات قاتل پس از وقوع جنایت محدود شود. امنیت قربانی باید پیش از جنایت موضوع حقوق کیفری باشد.

۵. آیا پدرسالاری می‌تواند به مصونیت عملی تبدیل شود؟ مسئله عمیق‌تر این پرونده، نسبت میان اقتدار خانوادگی و حقوق کیفری است. در خانواده‌ای که پدر خود را صاحب اختیار مطلق اعضای خانواده می‌داند، خشونت ممکن است به عنوان «مسئله خانوادگی» پنهان بماند. همین نگاه است که می‌تواند باعث شود ضرب و جرح،

گاهی یک قتل، تنها پایان زندگی یک انسان نیست؛ بلکه شکست چندین لایه از نظام حمایت اجتماعی و حقوقی را آشکار می‌کند. قتل یاسین، جوان ۲۱ ساله‌ای در خرم‌آباد، از همین جنس است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، او در بامداد ۱۸ تیرماه، هنگامی که در خواب بود، به دست پدرش و با ضربات کلنگ به قتل رسید. گزارش‌های منتشرشده همچنین از سابقه تهدید، خشونت خانوادگی و درگیری‌های مستمر در این خانواده حکایت دارد. اما شاید تکان‌دهنده‌ترین بخش این روایت، نه ابزار قتل، بلکه انگیزه و زمینه‌ای باشد که در پس آن قرار داشته است:

گفته شده یاسین در برابر خشونت پدر نسبت به مادر و دیگر اعضای خانواده می‌ایستاد و پدر، او را مانعی در برابر اعمال خشونت خود می‌دانست. به تعبیر گزارش‌شده از خانواده، پدر او را «دیوار دفاعی» مادر می‌دانست.

این پرونده بنابراین پرسشی اساسی را پیش روی حقوق کیفری قرار می‌دهد: وقتی خانه، که باید امن‌ترین مکان برای انسان باشد، به محیط تهدید و خشونت تبدیل می‌شود، قانون تا چه اندازه ابزار مؤثر برای مداخله پیشگیرانه در اختیار دارد؟

۱. خشونت خانگی؛ جرمی که پیش از قتل آغاز شده است در بسیاری از پرونده‌های خانوادگی، قتل نقطه آغاز خشونت نیست؛ بلکه نقطه پایان یک زنجیره خشونت است. ضرب و جرح، تهدید، تحقیر، کنترل اقتصادی، ارباب و اعمال سلطه می‌توانند ماه‌ها یا حتی سال‌ها پیش از قتل وجود داشته باشند. در پرونده یاسین نیز گزارش‌های منتشرشده از سابقه خشونت پدر نسبت به همسر و فرزندان و همچنین تهدیدهای قبلی علیه یاسین حکایت دارد. از منظر جرم‌شناسی، این موضوع اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ زیرا اگر نشانه‌های اولیه خشونت شناسایی و جدی گرفته نشوند، نظام عدالت کیفری ممکن است زمانی وارد شود که دیگر امکان پیشگیری از جنایت وجود ندارد. بنابراین سؤال اصلی نباید صرفاً این باشد که: «قاتل پس از ارتکاب قتل چه مجازاتی باید تحمل کند؟» بلکه باید پرسید: «چرا پیش از وقوع قتل، نظام حمایت اجتماعی و کیفری نتوانست از وقوع آن جلوگیری کند؟»

۲. فرزند به عنوان «حائل» میان پدر و مادر وجه جرم‌شناختی مهم این پرونده، نقش یاسین در ساختار خشونت خانوادگی است. اگر روایت‌های منتشرشده صحیح باشد، او صرفاً قربانی مستقیم خشونت پدر نبود؛ بلکه برای جلوگیری از خشونت علیه مادر و سایر اعضای خانواده نیز مداخله می‌کرد. در چنین ساختاری، فرزند به تدریج از جایگاه طبیعی خود خارج شده و به حامی، میانجی و سپر دفاعی مادر تبدیل می‌شود. این وضعیت خود نشانه‌ای از فروپاشی نقش حمایتی خانواده است. پدر، به جای آنکه عامل امنیت خانواده

### ادامه در صفحه بعد ➡

۸. پیشنهادهایی برای کارآمدتر شدن حمایت کیفری از محیط زیست تهران  
برای افزایش کارآمدی سیاست کیفری در تهران، چند اقدام ضروری به نظر می‌رسد:

۱. ایجاد هماهنگی نهادی بیشتر میان شهرداری، سازمان حفاظت محیط زیست، پلیس و مراجع قضایی برای کشف و پیگیری جرایم زیست‌محیطی.

۲. تخصصی‌تر شدن رسیدگی قضایی به پرونده‌های محیط زیست، به‌ویژه پرونده‌های پیچیده مربوط به آلودگی هوا، خاک، آب و تخریب گسترده فضای سبز.

۳. تقویت ادله فنی و کارشناسی؛ زیرپایش و کارشناسی علمی قابل اثبات دقیق نیستند.

۴. تناسب ضمانت اجرا با منافع اقتصادی تخلف؛ به‌گونه‌ای که جریمه‌ای که در برابر سود حاصل از تخلف ناچیز است، عملاً نمی‌تواند نقش بازدارنده داشته باشد.

۵. توجه جدی‌تر به مسئولیت اشخاص حقوقی؛ زیرا بخش قابل توجهی از آلودگی‌های شهری حاصل فعالیت شرکت‌ها،

اثر بازدارنده ضمانت اجراها، موجب می‌شود ظرفیت موجود حقوق کیفری به اندازه کافی به نتیجه نرسد.

تهران برای حفاظت از محیط زیست خود نیازمند سیاستی است که در آن حقوق کیفری نه صرفاً ابزار مجازات پس از تخریب، بلکه بخشی از یک نظام جامع پیشگیری، نظارت، پاسخگویی و بازسازی باشد. در چنین رویکردی، محیط زیست شهری یک موضوع فرعی در مدیریت شهر نیست؛ بلکه حق عمومی شهروندان و سرمایه مشترک نسل‌های امروز و آینده است.

در نهایت، هرچه آلودگی و تخریب محیط زیست در تهران گسترده‌تر می‌شود، اهمیت یک پرسش حقوقی نیز بیشتر خواهد شد: چه کسی مسئول است، چه زمانی باید پاسخگو باشد و آیا ضمانت اجرای موجود واقعاً می‌تواند از تکرار تخلف جلوگیری کند؟ پاسخ مؤثر به این پرسش، شرط تبدیل قوانین زیست‌محیطی از «متن قانونی» به «حمایت واقعی از محیط زیست» است.

واحدهای صنعتی، پیمانکاران و مؤسسات است، نه صرفاً اشخاص حقیقی.

۶. تقویت ضمانت اجرای ترک تکالیف قانونی در مواردی که قانون صراحتاً مسئولیت و وظیفه مشخصی بر عهده دستگاه یا مقام معینی گذاشته است.

۷. گسترش دسترسی عمومی به اطلاعات زیست‌محیطی؛ زیرا شفافیت می‌تواند خود به عنوان ابزاری مهم برای پیشگیری از تخلف و افزایش پاسخگویی عمل کند.

نتیجه‌گیری

حمایت کیفری از محیط زیست شهری تهران در حقوق ایران فاقد مبنای قانونی نیست؛ برعکس، مجموعه‌ای قابل توجه از مقررات، از اصل ۵۰ قانون اساسی تا قانون مجازات اسلامی، قانون هوای پاک، قانون مدیریت پسماندها و مقررات حفظ فضای سبز، امکان مداخله کیفری را فراهم کرده‌اند.

مسئله اصلی، بیش از آنکه «نبود قانون» باشد، کارآمدی اجرای قانون است. پراکندگی مقررات، تعدد نهادهای مسئول، دشواری اثبات علمی آلودگی، ضعف هماهنگی نهادی و گاه ناکافی بودن

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: دکتر منصور مظفری / وکیل پایه یک دادگستری
- آدرس: تهران - خیابان شهید مطهری - ابتدای قائم مقام فراهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰
- یزد - بلوار ۲۲ بهمن - ابتدای کوچه اعظم ۱۸۰۹۱۲۸۴۳۷۰
- تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ - ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰ - ۸۸۳۲۸۷۴۳ ایمیل: aftab.yz@gmail.com

## دکتر خدائیان؛ از متن قضاوت و قانون گذاری تا رأس ثبت و نظارت و قلب مدیریت قوه قضاییه

### تارور دی چگینی: تحلیل گر ارشد مسائل سیاسی و اقتصادی بین الملل

درباره دوران تحصیل ایشان، دوره دبیرستان را به صورت جهشی طی کرده‌اند و دوره کارآموزی قضایی را نیز با رتبه ممتاز به پایان رسانده‌اند. تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه تهران، اخذ دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی و سابقه فعالیت‌های علمی و دانشگاهی، نشان‌دهنده پیوند میان دانش تخصصی و تجربه اجرایی در مسیر حرفه‌ای ایشان است. این مجموعه ویژگی‌ها را می‌توان در کنار یکدیگر، نشان‌های از توان یادگیری، قدرت تحلیل و ظرفیت مواجهه با مسائل پیچیده دانست؛ و ویژگی‌هایی که برای مدیریتی در سطح عالی قوه قضاییه اهمیت ویژه دارد. \_چرا این مجموعه تجربه برای قوه قضاییه مهم است؟ \_مدیریت عالی قوه قضاییه با مجموعه‌ای بسیار پیچیده از مسائل قضایی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و مدیریتی مواجه است. برای مدیریت چنین مجموعه‌ای، صرفاً داشتن دانش حقوقی کافی نیست؛ مدیران ارشد باید واقعیت‌های اجرایی و اجتماعی کشور را نیز بشناسند. دکتر خدائیان چگنی در طول مسیر حرفه‌ای خود تقریباً با تمام این لایه‌ها مواجه شده است: قضاوت و دادستانی، مدیریت دادگستری، سیاست‌گذاری حقوقی و تدوین لوایح، مدیریت ثبت اسناد و املاک و نظارت عالی بر دستگاه‌های اجرایی. این ترکیب، سرمایه‌ای است که می‌تواند برای ریاست قوه قضاییه در زمینه‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد؛ از جمله: آسیب‌شناسی ساختاری دستگاه قضایی؛ اصلاح فرآیندهای مدیریتی و اداری؛ پیشگیری از فساد و شناسایی گلوگاه‌های آن؛ افزایش هماهنگی میان معاونت‌ها و سازمان‌های تابعه؛ تقویت ارتباط میان قوه قضاییه و دستگاه‌های اجرایی؛ توجه بیشتر به پیشگیری به جای صرفاً برخورد پس از وقوع تخلف؛ و تبدیل تجربه‌های میدانی به سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی. حوزه ریاست؛ یک جایگاه راهبردی \_اهمیت انتصاب جدید دکتر خدائیان \_انباید صرفاً با مقایسه عنوان «رئیس سازمان بازرسی کل کشور» و «رئیس حوزه ریاست قوه قضاییه» سنجید. در ساختارهای بزرگ حکمرانی، اهمیت یک جایگاه تنها به تعداد نیروها و یا وسعت سازمان تحت مدیریت آن وابسته نیست. گاهی قرار گرفتن یک مدیر باتجربه در جایگاهی نزدیک به مرکز تصمیم‌گیری، امکان می‌دهد تجربه او در سطحی گسترده‌تر مورد استفاده قرار گیرد. حوزه ریاست می‌تواند محل هماهنگی، پیگیری تصمیمات عالی، ارتباط میان بخش‌های مختلف و انتقال مسائل مدیریتی به رأس قوه باشد. از این منظر، انتصاب دکتر خدائیان را می‌توان انتقال یک مدیر باتجربه گسترده از مدیریت یک سازمان تخصصی به جایگاهی دانست که امکان استفاده از این تجربه در سطح وسیع‌تری از مدیریت قوه قضاییه را فراهم می‌کند. به تعبیر دیگر: < تجربه‌ای که در متن قضاوت شکل گرفته، در مدیریت استانی و سیاست‌گذاری حقوقی عمق یافته، در سازمان ثبت گسترده‌تر شده و در سازمان بازرسی به شناختی عمیق از ساختار اجرایی کشور رسیده است، اکنون به قلب مدیریت و هماهنگی قوه قضاییه منتقل شده است. ظرفیت یک تحول مدیریتی تحول در یک سازمان بزرگ، صرفاً با تغییر مدیران اتفاق نمی‌افتد؛ تحول زمانی شکل می‌گیرد که تجربه، دانش، قدرت تصمیم‌گیری، شناخت ساختار و اراده اصلاح در کنار یکدیگر قرار گیرند. دکتر خدائیان، با مسیری که طی کرده، مجموعه‌ای از این ظرفیت‌ها را در اختیار دارد. اگر تجربه ایشان در دادگستری‌های استانی، معاونت حقوقی، سازمان ثبت و سازمان بازرسی در کنار توان علمی و شناخت گسترده ایشان از ساختارهای قضایی و اجرایی کشور قرار گیرد و این ظرفیت در فرآیند تصمیم‌سازی عالی قوه قضاییه به شکل مؤثر به کار گرفته شود، می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح فرآیندها، افزایش کارآمدی، تقویت سلامت اداری و پیشگیری مؤثرتر از فساد باشد. البته هیچ انتصابی به تنهایی تضمین‌کننده تحول نیست؛ اما برخی انتصاب‌ها به دلیل ویژگی‌های فردی و سابقه مدیریتی فرد منصوب‌شده، ظرفیت تحول‌آفرینی بیشتری دارند. به نظر می‌رسد انتصاب دکتر خدائیان از همین جنس باشد. جمع‌بندی به اعتقاد بنده انتصاب دکتر ذبیح‌الله خدائیان چگنی به ریاست حوزه ریاست قوه قضاییه، بیش از آنکه یک تغییر عنوان مدیریتی باشد، انتقال یک سرمایه انسانی و مدیریتی انباشته‌شده به یکی از مهم‌ترین نقاط تصمیم‌سازی قوه قضاییه است. مسیر حرفه‌ای ایشان از متن قضاوت آغاز شده، در مدیریت دادگستری‌های استانی تجربه اندوخته، در معاونت حقوقی با سیاست‌گذاری و تدوین مقررات قضایی عمق یافته، در سازمان ثبت با مسائل مالکیت و امنیت حقوقی و اقتصادی کشور پیوند خورده و در سازمان بازرسی به شناختی گسترده از ساختار اجرایی، مدیریتی و نظارتی کشور رسیده است. اکنون مجموعه این تجربیات در جایگاهی قرار گرفته که می‌تواند مستقیماً در خدمت هماهنگی و تصمیم‌سازی مدیریتی عالی قوه قضاییه قرار گیرد.

اگر این ظرفیت به درستی مورد استفاده قرار گیرد، دکتر خدائیان می‌تواند فراتر از یک رئیس حوزه ریاست، به یکی از منابع مهم تجربه، تحلیل، هماهنگی و مشورت راهبردی در کنار ریاست قوه قضاییه تبدیل شود. و شاید بتوان تمام این مسیر را در یک جمله خلاصه کرد: دکتر خدائیان از متن قضاوت و سیاست‌گذاری حقوقی، از رأس ثبت و نظارت کشور، به قلب مدیریت قوه قضاییه رسیده است؛ مدیری با تجربه‌ای چندلایه و کم‌نظیر که اگر این سرمایه به درستی به کار گرفته شود، می‌تواند یکی از ظرفیت‌های مؤثر برای ایجاد تحول چشمگیر در کارآمدی، سلامت، پاسخگویی و اعتماد عمومی به دستگاه قضایی ایران باشد.

ریاست، به یکی از منابع مهم تجربه، تحلیل، هماهنگی و مشورت راهبردی در کنار ریاست قوه قضاییه تبدیل شود. و شاید بتوان تمام این مسیر را در یک جمله خلاصه کرد: < دکتر خدائیان از متن قضاوت و سیاست‌گذاری حقوقی، از رأس ثبت و نظارت کشور، به قلب مدیریت قوه قضاییه رسیده است؛ مدیری با تجربه‌ای چندلایه و کم‌نظیر که اگر این سرمایه به درستی به کار گرفته شود، می‌تواند یکی از ظرفیت‌های مؤثر برای ایجاد تحول چشمگیر در کارآمدی، سلامت، پاسخگویی و اعتماد عمومی به دستگاه قضایی ایران باشد. تارور دی چگینی تحلیل گر ارشد مسائل سیاسی و اقتصادی بین الملل دکتر خدائیان؛ از متن قضاوت و قانون گذاری تا رأس ثبت و نظارت و قلب مدیریت قوه قضاییه تحلیلی بر انتصاب دکتر ذبیح‌الله خدائیان و ظرفیت یک تحول مدیریتی در قوه قضاییه تارور دی چگینی تحلیل گر ارشد مسائل سیاسی و اقتصادی بین الملل انتصاب دکتر ذبیح‌الله خدائیان چگنی به ریاست حوزه ریاست قوه قضاییه را نمی‌توان صرفاً یک جابه‌جایی اداری یا تغییر عنوان سازمانی دانست. اهمیت این انتصاب را باید در مجموعه‌ای کم‌نظیر از تجربه قضایی، حقوقی، مدیریتی، ثبتی و نظارتی جست‌وجو کرد؛ تجربه‌ای که اکنون در یکی از نزدیک‌ترین سطوح مدیریتی به مرکز تصمیم‌گیری قوه قضاییه قرار گرفته است. مسیر حرفه‌ای دکتر خدائیان، مسیر حرکت مستقیم از یک جایگاه به جایگاه بالاتر نبوده؛ بلکه مسیری تدریجی، میدانی و مرحله‌به‌مرحله در ساختار قضایی جمهوری اسلامی ایران بوده است. ایشان پس از پایان دوره کارآموزی قضایی، با رتبه ممتاز، فعالیت قضایی خود را آغاز کردند و در ادامه، مسئولیت‌هایی همچون دادیاری، معاونت دادستان، ریاست شعبه دادگاه ریاست دادگاه تجدیدنظر، دادستانی عمومی و انقلاب مرکز استان، معاونت قضایی و قائم‌مقامی ریاست کل دادگستری را تجربه کردند. پس از طی این مراحل، ریاست کل دادگستری استان‌های لرستان و فارس به ایشان سپرده شد. این مرحله از کارنامه مدیریتی، از آن جهت اهمیت دارد که مدیریت دادگستری یک استان بزرگ، صرفاً مدیریت اداری نیست؛ بلکه مستلزم مدیریت نیروی انسانی گسترده، نظارت بر واحدهای قضایی، شناخت مسائل اجتماعی و اقتصادی، مدیریت پرونده‌های مهم و ایجاد هماهنگی میان بخش‌های مختلف دستگاه قضایی است. از این منظر، دکتر خدائیان مدیری است که ساختار قضایی را نه صرفاً از پشت میزهای مدیریتی، بلکه از سطح شعبه و دادسرا تا مدیریت عالی استانی تجربه کرده است. چنین تجربه‌ای می‌تواند در مسئولیت‌های کلان، قدرت تشخیص مسائل واقعی و تمایز میان مشکلات ظاهری و ریشه‌های ساختاری را افزایش دهد. معاونت حقوقی؛ تجربه‌ای در سیاست‌گذاری و تدوین مقررات قضایی یکی از مهم‌ترین بخش‌های کارنامه دکتر خدائیان، حدود پنج سال مسئولیت در معاونت حقوقی قوه قضاییه است؛ دوره‌ای که ایشان از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ عهده‌دار این مسئولیت بودند. معاونت حقوقی، در واقع یکی از نقاط اتصال تجربه قضایی با سیاست‌گذاری حقوقی، تدوین لوایح، آیین‌نامه‌ها و اصلاح مقررات قضایی است. در این دوره، اقدامات متعددی در زمینه تدوین و پیگیری لوایح قضایی، آیین‌نامه‌ها، تنقیح قوانین، سامان‌دهی اسناد قضایی و توسعه برخی فرآیندهای تخصصی حقوقی دنبال شد. از محورهای قابل توجه آن دوره، موضوع حقوق اطفال و نوجوانان بود؛ از جمله پیگیری و تبیین لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان، موضوع پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و تقویت فرآیندهای تخصصی در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به کودکان و نوجوانان. اهمیت این رویکرد در آن است که حمایت از کودک صرفاً به کودک بزه‌کار محدود نمی‌شود؛ بلکه کودک بزه‌دیده و کودک در معرض آسیب و خطر نیز باید در نظام قضایی مورد توجه قرار گیرد. چنین تجربه‌ای نشان می‌دهد که حوزه فعالیت دکتر خدائیان تنها محدود به مدیریت قضایی نبوده، بلکه در سیاست‌گذاری حقوقی، اصلاح مقررات و طراحی فرآیندهای قضایی نیز سابقه قابل توجهی دارد. از رأس سازمان ثبت تا رأس سازمان بازرسی مرحله مهم بعدی در کارنامه دکتر خدائیان چگنی، ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بود. این مسئولیت، ایشان را با یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های حقوقی و اقتصادی کشور مواجه کرد؛ حوزه‌ای که موضوعاتی همچون اسناد رسمی، مالکیت، املاک، ثبت شرکت‌ها و حقوق اقتصادی مردم را در برمی‌گیرد. اهمیت سازمان ثبت برای دستگاه قضایی نیز بسیار فراتر از یک سازمان اداری است؛ زیرا نظام ثبت صحیح اسناد و مالکیت می‌تواند در کاهش اختلافات، پیشگیری از دعاوی و افزایش امنیت حقوقی و اقتصادی جامعه نقش مهمی داشته باشد. پس از آن، دکتر خدائیان حدود پنج سال ریاست سازمان بازرسی کل کشور را بر عهده گرفتند. این مسئولیت، تجربه‌ای کاملاً متفاوت اما مکمل برای ایشان ایجاد کرد؛ زیرا سازمان بازرسی در نقطه‌ای قرار دارد که عملکرد دستگاه‌های اجرایی، شیوه مدیریت مدیران، مشکلات ساختاری، ترک فعل‌ها، زمینه‌های فساد و گلوگاه‌های ناکارآمدی را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر سازمان ثبت، بخش مهمی از واقعیت مالکیت، اسناد و امنیت حقوقی و اقتصادی کشور را پیش روی مدیر قرار می‌دهد، سازمان بازرسی بخش مهمی از واقعیت عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نظام اداری کشور را آشکار می‌کند. ترکیب این دو تجربه، از منظر مدیریتی بسیار قابل توجه است. توان علمی و سرعت یادگیری در کنار این سوابق، توان علمی و ویژگی‌های فردی دکتر خدائیان نیز قابل توجه است. بر اساس سوابق و مطالب منتشر شده

#### ادامه از صفحه اول:

پس از آن، دکتر خدائیان حدود پنج سال ریاست سازمان بازرسی کل کشور را بر عهده گرفتند. این مسئولیت، تجربه‌ای کاملاً متفاوت اما مکمل برای ایشان ایجاد کرد؛ زیرا سازمان بازرسی در نقطه‌ای قرار دارد که عملکرد دستگاه‌های اجرایی، شیوه مدیریت مدیران، مشکلات ساختاری، ترک فعل‌ها، زمینه‌های فساد و گلوگاه‌های ناکارآمدی را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر سازمان ثبت، بخش مهمی از واقعیت مالکیت، اسناد و امنیت حقوقی و اقتصادی کشور را پیش روی مدیر قرار می‌دهد، سازمان بازرسی بخش مهمی از واقعیت عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نظام اداری کشور را آشکار می‌کند. ترکیب این دو تجربه، از منظر مدیریتی بسیار قابل توجه است. توان علمی و سرعت یادگیری در کنار این سوابق، توان علمی و ویژگی‌های فردی دکتر خدائیان نیز قابل توجه است. بر اساس سوابق و مطالب منتشر شده درباره دوران تحصیل ایشان، دوره دبیرستان را به صورت جهشی طی کرده‌اند و دوره کارآموزی قضایی را نیز با رتبه ممتاز به پایان رسانده‌اند. تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه تهران، اخذ دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی و سابقه فعالیت‌های علمی و دانشگاهی، نشان‌دهنده پیوند میان دانش تخصصی و تجربه اجرایی در مسیر حرفه‌ای ایشان است. این مجموعه ویژگی‌ها را می‌توان در کنار یکدیگر، نشان‌های از توان یادگیری، قدرت تحلیل و ظرفیت مواجهه با مسائل پیچیده دانست؛ و ویژگی‌هایی که برای مدیریتی در سطح عالی قوه قضاییه اهمیت ویژه دارد. \_چرا این مجموعه تجربه برای قوه قضاییه مهم است؟ \_مدیریت عالی قوه قضاییه با مجموعه‌ای بسیار پیچیده از مسائل قضایی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و مدیریتی مواجه است. برای مدیریت چنین مجموعه‌ای، صرفاً داشتن دانش حقوقی کافی نیست؛ مدیران ارشد باید واقعیت‌های اجرایی و اجتماعی کشور را نیز بشناسند. دکتر خدائیان چگنی در طول مسیر حرفه‌ای خود تقریباً با تمام این لایه‌ها مواجه شده است: قضاوت و دادستانی، مدیریت دادگستری، سیاست‌گذاری حقوقی و تدوین لوایح، مدیریت ثبت اسناد و املاک و نظارت عالی بر دستگاه‌های اجرایی. این ترکیب، سرمایه‌ای است که می‌تواند برای ریاست قوه قضاییه در زمینه‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد؛ از جمله: آسیب‌شناسی ساختاری دستگاه قضایی؛ اصلاح فرآیندهای مدیریتی و اداری؛ پیشگیری از فساد و شناسایی گلوگاه‌های آن؛ افزایش هماهنگی میان معاونت‌ها و سازمان‌های تابعه؛ تقویت ارتباط میان قوه قضاییه و دستگاه‌های اجرایی؛ توجه بیشتر به پیشگیری به جای صرفاً برخورد پس از وقوع تخلف؛ و تبدیل تجربه‌های میدانی به سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی. حوزه ریاست؛ یک جایگاه راهبردی \_اهمیت انتصاب جدید دکتر خدائیان \_انباید صرفاً با مقایسه عنوان «رئیس سازمان بازرسی کل کشور» و «رئیس حوزه ریاست قوه قضاییه» سنجید. در ساختارهای بزرگ حکمرانی، اهمیت یک جایگاه تنها به تعداد نیروها و یا وسعت سازمان تحت مدیریت آن وابسته نیست. گاهی قرار گرفتن یک مدیر باتجربه در جایگاهی نزدیک به مرکز تصمیم‌گیری، امکان می‌دهد تجربه او در سطحی گسترده‌تر مورد استفاده قرار گیرد. حوزه ریاست می‌تواند محل هماهنگی، پیگیری تصمیمات عالی، ارتباط میان بخش‌های مختلف و انتقال مسائل مدیریتی به رأس قوه باشد. از این منظر، انتصاب دکتر خدائیان را می‌توان انتقال یک مدیر باتجربه گسترده از مدیریت یک سازمان تخصصی به جایگاهی دانست که امکان استفاده از این تجربه در سطح وسیع‌تری از مدیریت قوه قضاییه را فراهم می‌کند. به تعبیر دیگر: < تجربه‌ای که در متن قضاوت شکل گرفته، در مدیریت استانی و سیاست‌گذاری حقوقی عمق یافته، در سازمان ثبت گسترده‌تر شده و در سازمان بازرسی به شناختی عمیق از ساختار اجرایی کشور رسیده است، اکنون به قلب مدیریت و هماهنگی قوه قضاییه منتقل شده است. ظرفیت یک تحول مدیریتی تحول در یک سازمان بزرگ، صرفاً با تغییر مدیران اتفاق نمی‌افتد؛ تحول زمانی شکل می‌گیرد که تجربه، دانش، قدرت تصمیم‌گیری، شناخت ساختار و اراده اصلاح در کنار یکدیگر قرار گیرند. دکتر خدائیان، با مسیری که طی کرده، مجموعه‌ای از این ظرفیت‌ها را در اختیار دارد. اگر تجربه ایشان در دادگستری‌های استانی، معاونت حقوقی، سازمان ثبت و سازمان بازرسی در کنار توان علمی و شناخت گسترده ایشان از ساختارهای قضایی و اجرایی کشور قرار گیرد و این ظرفیت در فرآیند تصمیم‌سازی عالی قوه قضاییه به شکل مؤثر به کار گرفته شود، می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح فرآیندها، افزایش کارآمدی، تقویت سلامت اداری و پیشگیری مؤثرتر از فساد باشد. البته هیچ انتصابی به تنهایی تضمین‌کننده تحول نیست؛ اما برخی انتصاب‌ها به دلیل ویژگی‌های فردی و سابقه مدیریتی فرد منصوب‌شده، ظرفیت تحول‌آفرینی بیشتری دارند. به نظر می‌رسد انتصاب دکتر خدائیان از همین جنس باشد. جمع‌بندی به اعتقاد بنده انتصاب دکتر ذبیح‌الله خدائیان چگنی به ریاست حوزه ریاست قوه قضاییه، بیش از آنکه یک تغییر عنوان مدیریتی باشد، انتقال یک سرمایه انسانی و مدیریتی انباشته‌شده به یکی از مهم‌ترین نقاط تصمیم‌سازی قوه قضاییه است. مسیر حرفه‌ای ایشان از متن قضاوت آغاز شده، در مدیریت دادگستری‌های استانی تجربه اندوخته، در معاونت حقوقی با سیاست‌گذاری و تدوین مقررات قضایی عمق یافته، در سازمان ثبت با مسائل مالکیت و امنیت حقوقی و اقتصادی کشور پیوند خورده و در سازمان بازرسی به شناختی گسترده از ساختار اجرایی، مدیریتی و نظارتی کشور رسیده است. اکنون مجموعه این تجربیات در جایگاهی قرار گرفته که می‌تواند مستقیماً در خدمت هماهنگی و تصمیم‌سازی مدیریتی عالی قوه قضاییه قرار گیرد. اگر این ظرفیت به درستی مورد استفاده قرار گیرد، دکتر خدائیان می‌تواند فراتر از یک رئیس حوزه